

Research School and Virtual Learning

ORIGINAL ARTICLE

Economic Education as a Religious Technology: What It Is and the Possibility of Realization

Saeed Afshari¹, MohammadReza Sarmadi^{2*}, Seyyed Ali Alamolhoda³, Mehran Farajollahi⁴

1 PhD Student in Philosophy of Education, Payame Noor University, Tehran, Iran.

2 Professor, Department of Education, Payame Noor University, Tehran, Iran.

3 Professor, Department of Philosophy, Payame Noor University, Tehran, Iran.

4 Professor, Department of Education, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Correspondence

MohammadReza Sarmadi

Email: sarmadi@pnu.ac.ir

How to cite

Afshari, S. Sarmadi, M.R. Alamolhoda, S.A. Farajollahi, M. (2023). Economic Education as a religious technology: what it is and the possibility of realization. *Research in School and Virtual Learning*, 11(2), 97-108.

ABSTRACT

The concept related to human sciences as a technology aimed at implementing various changes in different fields and human situations has gained significant importance. In this article, it is argued that economic education based on the formal document of the fundamental transformation of education encompasses both epistemic and non-epistemic objectives; the aforementioned economic education not only considers acquiring knowledge as its ultimate goal but also aims to prepare learners to organize and confront future life situations under various economic conditions, considering that technologies aim to bring about changes in individuals and societies, the question arises as to whether economic education based on the document of the fundamental transformation of education can be termed as technology, and By technologizing economic education, does it create a space for judgment regarding progress based on pragmatic criteria (ability to solve practical problems)? This research, with a qualitative approach and documentary-analytical method, delves into describing and analyzing the dimensions of science and technology and, explains this type of human soft technology's capability in understanding and explaining the issues in the educational system to change the existing reality; Of course, based on the findings, it should be said that the realization of such an environment requires having a transparent platform of information, so that all those involved in the field of education and training can fully and accurately access the information of the education and training system so that they can innovate appropriate technology for time and place.

KEYWORDS

Critical Rationalism, Economic Education, Soft Technology, the Formal Document of the Fundamental Transformation of Education in Iran.

نشریه علمی

پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی

«مقاله پژوهشی»

تربیت اقتصادی به مثابه تکنولوژی دینی: چستی و امکان تحقق

سعید افشاری¹، محمدرضا سرمدی^{2*}، سیدعلی علم‌الهدی³، مهراج فرج‌الهی⁴

چکیده

اندیشه مربوط به علوم انسانی به مثابه تکنولوژی با هدف اعمال تغییرات مختلف در حوزه‌ها و موقعیت‌های مختلف انسانی، اهمیت فراوانی یافته است. در مقاله حاضر استدلال می‌شود که تربیت اقتصادی مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش دربردارنده اهداف معرفتی و غیر معرفتی است؛ تربیت اقتصادی پیش گفته، علاوه بر اینکه شناخت صاحب عالم را هدف غایی خود می‌داند، درصدد آماده کردن یادگیرندگانی به منظور سازماندهی و مقابله با موقعیت‌های زندگی آینده در شرایط مختلف اقتصادی نیز می‌باشد و با توجه به اینکه تکنولوژی‌ها در پی اعمال تغییرات در فرد و جامعه هستند، پرسش این است که آیا می‌توان تربیت اقتصادی مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش را به مثابه تکنولوژی قلمداد کرد و با تکنولوژیک کردن تربیت اقتصادی، فضای داوری در مورد پیشرفت با ملاک‌های پراگماتیستی (توانایی در حل مسائل عملی) را میسر ساخت؟ این پژوهش با رویکرد کیفی و روش اسنادی - تحلیلی به توصیف و تحلیل ابعاد علم و تکنولوژی می‌پردازد و قابلیت این نوع تکنولوژی نرم انسانی را در تفهیم و تبیین مسائل موجود در نظام تعلیم و تربیت به منظور تغییر واقعیت موجود تبیین می‌نماید؛ البته بر اساس یافته‌ها باید گفت که تحقق بخشیدن به چنین فضایی نیازمند داشتن بستر شفافیت از اطلاعات است، به طوری که تمام دست‌اندرکاران حوزه تعلیم و تربیت بتوانند به طور کامل و دقیق به اطلاعات نظام تعلیم و تربیت دست یابند تا بتوانند تکنولوژی مناسب با زمان و مکان را ابداع نمایند.

واژه‌های کلیدی

عقلانیت نقاد، تربیت اقتصادی، فناوری نرم، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.

1 دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
2 استاد، گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
3 استاد، گروه فلسفه، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
4 استاد، گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

نویسنده مسئول:

محمدرضا سرمدی

رایانامه: sarmadi@pnu.ac.ir

استناد به این مقاله:

سعید افشاری، محمدرضا سرمدی، سیدعلی علم‌الهدی، مهراج فرج‌الهی (1402). تربیت اقتصادی به مثابه تکنولوژی دینی: چستی و امکان تحقق. فصلنامه پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، 11(2)، 108-97.

<https://etl.journals.pnu.ac.ir/>

مقدمه

هدف پژوهش حاضر این است که به تربیت اقتصادی مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به مثابه تکنولوژی دینی بنگرد. پیش‌نیاز چنین نگرشی، عقلانیت نقاد¹ و نگرستن به تربیت از این دریچه است. آن هنگام که از دریچه عقلانیت نقاد به تربیت نگرسته شود، می‌توان تربیت را به مثابه علم یا تکنولوژی تلقی کرد و با توجه به تفاوت معرفت‌شناختی علوم نظری و تکنولوژی‌های انسانی، به سیاست‌گذاری در حوزه تربیت مبادرت ورزید و به مسئله این پژوهش که تربیت اقتصادی (مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش) است به مثابه یکی از تکنولوژی‌های نرم پرداخت.

همان طور که بیان شد این پژوهش با رویکرد عقلانیت نقاد عجین شده است. بدین معنا که کار تحقیق با مشاهده و گردآوری داده‌ها شروع نمی‌شود. این رویکرد مسئله‌محور است و نقطه شروع با مسائل است، نه موضوعات یا مشاهدات. در رویکرد عقلانیت نقاد، پژوهشگر با صورت‌بندی مسئله شروع می‌کند - از مشاهده شروع نمی‌کند - و پس از آن، با حدس و بازسازی موقعیت مسئله تلاش می‌کند طرح یا نظریه‌ای برای حل مسئله مورد نظر حدس بزند. این حدس باید هر چه بیشتر نقدپذیر باشد تا بتوان آن را با فنون و ابزارهای نقد مختلف مثل تجربه یا تحلیل استدلالی و منطقی و بررسی میزان سازگاری با نظریه‌ها و پیش‌فرض‌های قبلی سنجید. این نقدها منجر به مسائل جدیدی خواهد شد که باید دوباره آن مسائل یا نظریه مورد نظر را اصلاح کرد و یا اساساً نظریه جدیدی ارائه کرد. البته محقق در تمام مراحل صورت‌بندی و بازسازی موقعیت و شرایط مسئله و راه حل آن، متکی و گرفتار پیش‌فرض‌های آگاهانه و ناآگاهانه خود است؛ به همین دلیل، افراد مختلف با پیش‌فرض‌های مختلف ممکن است صورت‌بندی‌های مسئله‌ای مختلف یا راه‌حل‌های متفاوتی را ارائه کنند. نکته مهم اینجاست که در همه مراحل، محصولات نظری باید قابل نقد و بررسی و بحث باشند ولی رسیدن به یک راه حل نهایی مورد توافق همه شرط نیست؛ هر چند باید برای آن تلاش کرد و نسبت به آن خوش‌بین بود (منصوری و پایا، 1400: 36).

نگرستن به تربیت اقتصادی به مثابه علمی نظری، تلاش برای بسط معرفت در حوزه تربیت اقتصادی است. بدین معنا که لنزی با دقت بالا طراحی شود تا از طریق آن بتوان به مسائل تربیت اقتصادی نظر کرد. این چنین لنزی ارتباطی با طراح و محل جغرافیایی طراحی آن ندارد و در هر محیط جغرافیایی کارایی یکسانی دارد؛ البته باید دانست که کارایی به معنای

عمل‌گرایی آن نیست و تربیت اقتصادی به مثابه علم نظری چیزی جز علم نیست و نمی‌توان آن را به جامعه علمی خاصی منتسب ساخت و جامعه علمی نیز نمی‌تواند از این علم به مثابه ابزاری برای دستیابی به اهداف ایدئولوژیک خود بهره‌بردار (پایا، 1399: 125).

نگرستن به تربیت اقتصادی به مثابه تکنولوژی دینی، به تربیت اقتصادی عینیت می‌بخشد؛ بدین معنا که کارکرد تربیت اقتصادی به مثابه ابزار تربیتی را به طور شفاف مشخص می‌کند و کمک می‌کند که دست‌اندرکاران حوزه تعلیم و تربیت بتوانند با دقت عمل بیشتری به تربیت اقتصادی مریبان بپردازند؛ علاوه بر این، عملکرد دست‌اندرکاران تربیت اقتصادی را هم می‌توان با عینیت بیشتری نقادی نمود و طبیعتاً عملکرد دست‌اندرکاران به طور پیوسته ارزیابی و نقادی خواهد شد و نقاط ضعف و قوت، به طور مشخص آشکار خواهد گشت. مع‌الوصف این نوع نگاه به تربیت اقتصادی خاطر نشان می‌سازد که معیار موفقیت مریبان در خصوص به‌کارگیری تربیت اقتصادی، کارآمدی است و درس‌گیری از اشتباهات و تامل در اشتباهات می‌بایست سرلوحه کار مریبان قرار گیرد. نکته حائز اهمیت دیگر این است که تکنولوژی تنها از طریق کنش و واکنش با چالش‌هایی که واقعیت به اشکال گوناگون بر ما عرضه می‌کند، رشد می‌کند و این فرایند در خصوص تکنولوژی‌های تربیتی، از جمله تربیت اقتصادی هم صادق است و در نتیجه می‌بایست با توجه به شرایط زمانی و مکانی، تربیت اقتصادی را به‌روزرسانی کرد و به آن مبادرت ورزید (پایا، 1395: 91).

در عصر حاضر که تربیت به عنوان یک رشته دانشگاهی پذیرفته و به عنوان یک دیسپلین آموزشی و پژوهشی مورد توجه قرار گرفته؛ ضرورت دارد که به تربیت با نگاه عقلانیت نقاد نگرسته شود و با عینیت بخشیدن به این حوزه اجتماعی، فضایی ایجاد شود تا اندیشمندان بتوانند به ارزیابی نقادانه تربیت بپردازند؛ چرا که این نقادی موجب می‌شود علم یا تکنولوژی، پویایی خود را حفظ کند و با توجه به شرایط زمانی و مکانی به‌روزرسانی شود.

این پژوهش در نظر دارد تربیت اقتصادی مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش را از منظر عقلانیت نقاد مورد بررسی قرار دهد و دریابد که آیا تربیت اقتصادی در قالب تکنولوژی دینی جای می‌گیرد؛ در راستای توضیح این مطلب، پاسخ‌گویی به سوالات ذیل در دستور کار این پژوهش قرار خواهد گرفت.

۱. از کجا می‌توان تشخیص داد که تربیت (اعم از اقتصادی) مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، یک

تبعیت از افلاطون مدعی شده‌اند، عبارت نیست از «باور صادق موجه». آنچه در نظریه عقل‌گرایی نقاد «معرفت» به شمار می‌آید مجموعه‌ای از حدس و گمانه‌هایی است که علی‌رغم آزمون‌ها و نقادی‌های سخت هنوز ابطال نشده باقی مانده‌اند.

در خصوص عقلانیت نقاد به منزله یک چارچوب روش‌شناسانه / معرفت‌شناسانه، علی‌پایا در مقالات متعددی از جمله مقاله چگونه می‌توان کارآیی علوم انسانی را افزایش داد؟ بحثی در امکان‌پذیری و راهکارهای عملی و یا مقاله عقلانیت نقادانه و منطق موقعیت: رهیافتی کارآمد برای روش‌شناسی دانش آموزش و پرورش به ذکر نکاتی در این خصوص پرداخته که بیان این موارد در راستای رسیدن به یک چارچوب نظری ضروری به نظر می‌رسد.

در ابتدا باید دانست که همه مشاهدات، پیچیده در نظریه‌ها و مسبوق به آن‌ها هستند و حاصل این مشاهدات، معرفت‌هایی از جنس ظن و گمان‌اند (فراموش نشود که یقین به قلمرو روان‌شناسی شخصی تعلق دارد و امری معرفت‌شناسانه نیست) و همواره چنین می‌مانند تا زمانی که ابطال شوند و موجه‌سازی این معارف، به هر شکل و صورت، نه تنها نامطلوب که ناممکن است. در همین خصوص رویکرد استقرایی، در مقام یک شیوه استنتاج منطقی، نامعتبر و عقیم و به منزله روشی برای اکتشاف، ناممکن است.

در نتیجه معرفت انسانی باور صادق موجه نتواند بود؛ بلکه معرفت تنها گمانه‌هایی است که از طریق تعامل با چالش‌هایی که واقعیت به انحاء گوناگون بر ما عرضه می‌کند رشد می‌کند و نقش واقعیت آن است که به منزله داور و قاضی، دعاوی معرفتی ما را اصلاح کند. به عبارت دیگر معرفت به دو نحو رشد می‌کند: به نحو سلبی و به نحو ایجابی. از یک سو معرفت از طریق ابطال شدن حدس‌های ما درباره واقعیت از طریق آشکار شدن خطاها رشد می‌کند و از سوی دیگر معرفت از طریق تقویت گمانه‌هایی که تا این زمان و علی‌رغم بهترین تلاش‌ها برای آشکار ساختن خطاها و کاستی‌هایشان ابطال نشده باقی مانده‌اند، رشد می‌کند (پایا، 1395: 196).

در این میان باید خاطر نشان کرد که میان رشد معرفت با کثرت‌گرایی و پلورالیسم در زیست‌بوم معرفتی رابطه‌ای مستقیم برقرار است و همچنین محک نقادانه این گمانه‌ها یا دعاوی معرفتی به شیوه‌های عقلانی، منطقی و تحلیلی - نظری و شیوه‌های تجربی انجام می‌شود. البته پیش شرط چنین محکمی آن است که دعاوی معرفتی دارای عینیت به معنای دسترس‌پذیری و قابلیت ارزیابی نقادانه در حیطه عمومی باشند.

تکنولوژی دینی است یا غیر دینی؟

2. چگونه و تحت کدام شرایط می‌توان به ابداع تربیت اقتصادی (به مثابه تکنولوژی دینی) توفیق یافت که بالاترین بازده را در راستای کمک به هدف «شناخت صاحب عالم» فراهم آورد؟

3. چگونه می‌توان به نحو عینی مشخص کرد که بهره‌گیری از تربیت اقتصادی (به مثابه تکنولوژی دینی) به مومنان در دستیابی به هدف دین، یعنی نزدیک شدن به شناخت صاحب عالم، کمک می‌کند و یا آن که آنان را دور می‌سازد؟

4. آیا هدف تربیت اقتصادی (مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش) صرفاً بالا بردن درجه خشوع و خشیت فرد و اکمال فضایل اخلاقی است و یا اهداف دیگری مانند آماده کردن یادگیرندگانی به منظور سازماندهی و مقابله با موقعیت‌های زندگی آینده در شرایط مختلف اقتصادی هم جزو اهداف تربیت اقتصادی محسوب می‌شود؟

5. آیا میان تربیت اقتصادی (مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش) و تربیت اقتصادی ظهور یافته یا به کار گرفته شده در یک محیط غیر دینی تفاوت وجود دارد؟

مبانی نظری

الف) عقلانیت نقاد

عقلانیت نقاد، رهیافت متأخر کارل ریموند پوپر¹ فیلسوف تحلیلی علم در زمینه معرفت‌شناسی است که پس از او توسط شاگردان همان مکتب بسط و گسترش یافته است و امروزه با نمایندگانی چون جوزف آگاسی²، دیوید میلر³، ایان جاروی⁴، جان وترستن⁵، جرمی شی یو⁶ و علی پایا⁷ محل مباحثات و مناظرات پرشوری پیرامون موضوعات معرفت‌شناختی و فلسفی شده است. نکته بسیار مهم در مورد عقلانیت نقاد آن است که، رهیافتی است که صرفاً در چارچوب نگرش متعارف فلسفه تحلیلی باقی نمی‌ماند و از این جهت محل تلاقی خوبی برای فلسفه‌های تحلیلی و غیر تحلیلی است. طرفداران عقلانیت نقاد معتقدند که با این رویکرد، معیار مناسبی برای نقد و واکاوی سایر نحله‌های فلسفی، مابعدالطبیعی و اصولاً معرفت در اختیار دارند. بن‌مایه نظریه عقلانیت نقاد این آموزه است که معرفت، بر خلاف آنچه بسیاری از متفکران در قرون گذشته و حال به

1 Karl Raimund Popper

2 Joseph Agassi

3 David Miller

4 Ian Jarvie

5 John Wettersten

6 Jeremy Shearmur

7 Ali Paya

در پایان باید گفت که واقعیت، هم برای دعاوی معرفتی و هم برای تکنولوژی‌ها، داور نهایی به شمار می‌آید. به این معنی که خطاهای دعاوی معرفتی و نقایص تکنولوژی‌ها را آشکار می‌سازد (پایا، 1395: 82).

پ) تکنولوژی دینی

همه ادیان (یا لاقلاً اکثریت آن‌ها) متشکل از دو جنبه اساسی‌اند: یک جنبه وجودشناسانه و معرفت‌شناسانه و یک جنبه تکنولوژیک. جنبه نخست، یعنی جنبه وجودشناسانه و معرفت‌شناسانه متشکل از دو گزاره اساسی است. نخست: موجودی فوق بشر وجود دارد که خالق و نگاه‌دارنده یا صاحب ملک هستی است. دوم: این موجود، علی‌الاصول، قابل شناخت است. بدین معنی که مردم می‌توانند به تدریج به شناخت بهتر و بهتری از او (یا آن) نائل شوند. جنبه دوم همه ادیان متشکل از رویه‌ها، اعمال، مناسک دینی، هنجارها، دستورالعمل‌های اخلاقی، قواعد و مقرراتی است که برای اداره بهتر امور جوامع بشری تنظیم شده‌اند. همه عناصر این جنبه دوم تحت مقوله کلی «تکنولوژی» جای می‌گیرند و به این اعتبار می‌توان آن‌ها را انواع متنوعی از «تکنولوژی دینی» به شمار آورد. حال این اعمال و مناسک دینی در قالب‌های مختلف بر مردم عرضه می‌شوند و غایت این اعمال و مناسک نباید چیزی جز شناخت صاحب ملک هستی باشد (پایا، 1396: 51).

ت) تربیت اقتصادی

در عصر حاضر از تربیت اقتصادی با عنوان فرهنگ‌سازی در حوزه اقتصاد تعبیر شده است. کشورهای پیشرفته بیش از پیش در تلاش هستند که به کمک علم اقتصاد ریشه خیلی از مشکلات اجتماعی را فهم و حتی حل کنند؛ البته این مهم منوط به افزایش فهم اقتصادی و سواد مالی عامه مردم و ساخت دريچه اقتصادی به منظور نگرستن به مشکلات اجتماعی است. درک مفاهیم اقتصادی برای عموم مردم امر ناممکنی نیست، مشروط بر اینکه مفاهیم پیچیده با زبانی ساده بیان شود. اینکه علمی پیچیدگی‌های خود را داشته باشد امر جدیدی نیست اما هنر اصلی دولت‌ها آن است که این پیچیدگی‌ها با زبانی ساده فهم بیان شود و اقتصاد به عنوان بخشی از فرهنگ جامعه تکوین یابد تا نسل تربیت یافته بتواند مهارت تفکر اقتصادی را درونی کرده و ضمن بهره‌مندی از یک منطق فکری، قابلیت تحلیل شرایط مختلف اقتصادی، تصمیم‌گیری و انتخاب بهینه را داشته باشند (طغیانی و زاهدی‌وفا، 1391: 63).

تربیت اقتصادی همه تلاش‌های آموزشی به منظور آماده کردن یادگیرندگانی با دانش، توانایی، مهارت، انگیزه و نگرش‌هایی است که آنها را به سازماندهی و مقابله با

با این اوصاف باید دریافت که خلق علم در گرو دو فعالیت است که به دو قلمرو متفاوت اما مکمل تعلق دارد. فعالیت نخست تولید و برساختن گمانه‌هاست و تولید گمانه‌ها وابسته به ظرف و زمینه اکتشاف آن‌ها است و برساخته شدن (یا اکتشاف) گمانه هم در پاسخ به چالش‌هایی که واقعیت پیش روی ما قرار می‌دهد صورت می‌گیرد؛ اما هیچ نوع دستورالعمل و الگوریتمی برای برساختن گمانه‌ها وجود ندارد. گمانه‌ها و پاسخ‌ها در جهان اندیشه‌ای کسانی که به نحو مستمر و نظام‌مند با مسائل و چالش‌های معین دست و پنجه نرم می‌کنند و از سطح معین معرفتی مرتبط با حوزه مسائل مورد نظر برخوردارند، امکان ظهور دارد؛ البته ضرورتی بر این امر مترتب نیست. پس از این که گمانه‌ای تولید شد، نوبت به نقادی آن می‌رسد و غرض از نقادی هم آشکار ساختن ضعف‌ها و کاستی‌های گمانه‌های برساخته شده است (پایا، 1386: 35).

ب) علم و تکنولوژی

علوم انسانی بر خلاف علوم طبیعی دو بُعد دارند: بعد علمی و بعد تکنولوژیکی. این دو بعد از یکدیگر متمایزند و نباید با هم خلط شوند. بعد علمی علوم انسانی در جستجوی شناخت واقعیت است، اما بعد تکنولوژیک آن به دنبال تغییر واقعیت است (منصوری و پایا، 1398: 27). در این میان ذکر برخی نکات در خصوص معرفت و تکنولوژی ضروری به نظر می‌رسد: معرفت مجموعه همه آن دسته از برساخته‌های بشری است که به نیازهای معرفتی آدمی پاسخ می‌گوید و به شیوه گمانه‌زنانه به ما می‌گوید که چه چیز در واقعیت موجود است. افزون بر این دعاوی معرفتی عام و کلی‌اند و به نحو انباشتی بسط می‌یابند و معیار پیشرفت در قلمرو آن‌ها، نزدیک شدن به تصویری حقیقی درباره واقعیت است.

در حالی که تکنولوژی مجموعه همه آن دسته از برساخته‌های بشری است که یا به نیازهای غیر معرفتی بشر پاسخ می‌دهند و یا، صرفاً در مقام ابزار و وسیله، به بشر در تکاپوهای معرفتی‌اش مدد می‌رسانند و یا هر دو کارکرد را با هم دارند. همچنین تکنولوژی‌ها به ظرف و زمینه‌هایی که در آن ظهور می‌کنند حساسند و ناظر به نیازهای خاصند و نمی‌توان تکنولوژی‌هایی را که در یک ظرف و زمینه خاص تولید شده‌اند بدون تنظیم و دستکاری مناسب در ظرف و زمینه‌های دیگر به کار گرفت و کارآمدی تکنولوژی برساخته را تنها می‌توان از طریق ملاک‌های پراگماتیستی (توانایی در حل مسائل عملی) در مورد پیشرفت داوری کرد و در نهایت تکنولوژی‌ها، به ما می‌آموزند که واقعیت را چگونه می‌توان تغییر داد.

آن است که چارچوب‌های متافیزیکی و دینی می‌توانند در شکل‌گیری دعاوی معرفتی نقش ایفا کنند. ایشان از این مقدمه نتیجه می‌گیرند که می‌توان سناریویی را در نظر گرفت که بر اساس آن یک نگاه دینی معین در پیکره اندیشه‌های علمی درج گردد و به این ترتیب به آن نظریه‌ها صبغه و رنگ دینی بدهد. در مقاله تکنولوژی دینی؛ چستی و امکان تحقق به این استدلال پرداخته شده است که تکنولوژی دینی اولاً امکان‌پذیر است و ثانیاً به شرط کاربرد صحیح، واجد مطلوبیت ابزاری در جهت تقویت رویکردهای اخلاقی و دین‌مدارانه افراد است. در این مقاله نویسنده در تلاش بوده که تصویر دقیقی از مفاهیم ارائه دهد و بازی زبانی موجود در اندیشه ایرانی را تنقیح کند و انتظار اندیشمندان از علم و تکنولوژی را روشنی بخشد (پایا، 1391: 21).

مقاله عقلانیت نقادانه و منطق موقعیت: روش‌شناسی کارآمد برای پژوهش‌های آموزش و پرورش ناظر به این نکته است که معرفت‌شناسی متکی به عقلانیت نقادانه به همراه روش‌شناسی منطق موقعیت، رویکردی مدبرانه برای ایجاد تغییرات بهینه در نهاد آموزش و پرورش در اختیار کنشگران قرار می‌دهد (پایا، 1385: 12).

در مقاله آینده دین در جهان مدرن بر این نکته تصریح شده است که مدرنیته بر خرد نقاد و ارزش‌های علم‌انسانی بنا شده و آن نوع قرائت از دین که با الزامات مدرنیته هماهنگی بیشتری داشته باشد از اقبال بیشتری برای قبول و پذیرش و رواج در جهان آینده مواجه خواهد شد (پایا، 1385: 3).

در این بخش تنها به دو فصل و سه مقاله اشاره شده و حتی به طور مکفی به تشریح و نقادی این پژوهش‌ها پرداخته نشده و به طور حتم مقالات متعددی می‌توانند در این بخش جای گیرند. در مجموع، انتخاب مقالات با این نیت بوده است که هر یک از موارد بتوانند بخشی از مفاهیم موجود در مقاله حاضر را توضیح دهند. ارزیابی نقادانه دیدگاه‌های خسرو باقری درباره علم اسلامی از این رو مورد توجه قرار گرفته که در بسیاری از پژوهش‌ها تدوین مبانی و استنباط علمی از مبانی سرلوحه عمل قرار گرفته در حالی که از مبانی نمی‌توان چنین انتظاری داشت و پرداختن به این مقاله در تشریح چنین نگرشی ضرورت اساسی داشت. آینده دین در جهان مدرن هم بدین جهت مورد توجه قرار گرفته که اهمیت خرد نقاد را عیان ساخته و ضرورت بهره بردن از خرد نقاد به منظور کسب شانس بالاتر برای پذیرش امور در جهان آینده را نمایان ساخته و حتی می‌توان به این استنباط دست یافت که تکنولوژی‌های دینی به

موقعیت‌های زندگی آینده در شرایط مختلف اقتصادی در ابعاد سیاسی، قانونی، فنی و اخلاقی در سطوح اقتصاد خصوصی و جهانی قادر سازد (موسی‌زاده و صنعتی، 1396: 91).

تربیت اقتصادی از دیدگاه اسلام عبارت است از: ایجاد آمادگی‌های لازم در مربی به نحوی که ضمن شناختن استعداد اقتصادی خود، بتواند آن را به بهترین وجه شکوفا کند و با اتخاذ میانه‌روی از منابع موجود به نحوی بهره‌برداری کند که ممکن و میسر باشد و در طریق تولید و توزیع و مصرف، شریعت الهی را در نظر داشته باشد و همه این فعالیت‌ها را در جهت قرب به خدا و کسب رضای او به انجام رساند (ایمانی، 1391: 15).

با توجه به هدف پژوهش حاضر، که بررسی امکان تربیت اقتصادی مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به مثابه تکنولوژی است، ضرورت دارد که با در نظر گرفتن تعاریف موجود، این نوع نگاه به تربیت اقتصادی بررسی شود.

پیشینه پژوهش

در پیشینه پژوهش حاضر، به طور مختصر به پژوهش‌های مرتبط با عقلانیت نقاد، علم (علم دینی، علم بومی و علم اسلامی) و تکنولوژی پرداخته و آثار دکتر علی پایا از نظر گذرانده شد؛ دلیل انتخاب این رویکرد در پیشینه پژوهش این است که مضمون مقاله حاضر با مفاهیمی چون عقلانیت نقاد و تکنولوژی دینی گره خورده و در میان فیلسوفان ایرانی دکتر علی پایا بیش از دیگران، این مفاهیم را به چالش کشیده است. با عنایت به این موارد برخی از مقالاتی را که می‌توانند روشنی بیشتری به چارچوب نظری مقاله دهند، انتخاب و بررسی خواهیم کرد.

در کتاب علم دینی، علم بومی و علم اسلامی محال‌اندیشی یا دوراندیشی: مجموعه مقالاتی درباره پروژه‌های ایدئولوژیک تولید علم به همراه نقد دیدگاه دو صاحب‌نظر ایرانی درباره علم مقالات متعددی در قالب فصول کتاب تدوین شده و به بحث پیرامون علم دینی پرداخته شده است (پایا، 1399: 167).

نویسنده معتقد است روشی که برای پروژه اسلامی کردن علوم انسانی در نظر گرفته شده، راه به مطلوب نمی‌برد و یکی از محصولات اصلی تلاش‌های مختلف برای تولید علم اسلامی، تولید انبوهی از دعاوی معرفتی است که بیش از آن که حکایت‌گر واقعیت بیرونی باشد، ویژگی‌های ایدئولوژی‌های مختار پیش‌برندگان پروژه‌های علوم انسانی دینی / بومی را آشکار می‌کند. دکتر خسرو باقری یکی از نظریه‌پردازان علم است که کوشیده از منظر فلسفه علم، یک استدلال حداقلی در امکان‌پذیری تولید علم دینی ارائه دهد. خلاصه استدلال ایشان

می‌توان دریافت که این نهاد، با مأموریت تصحیح و ارتقاء فرهنگ و سازماندهی امور فرهنگی برای حفظ استقلال و تحکیم و تعمیق تدین و فرهنگ دین‌باوری و در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی فعالیت می‌نماید، در سندی که به تصویب رسانده، به طور پیوسته بر تغییر تاکید می‌نماید. عبارت «تربیت‌یافتگانی در تراز جمهوری اسلامی پرورش دهد که از شایستگی‌ها و توانمندی‌های اعتقادی، عاطفی و رفتاری و هماهنگ با نیازهای جامعه برخوردار باشد» مشحون از خواستن‌هایی است که بر تغییر تاکید می‌کند و بالطبع این تغییر نیاز به ابزاری دارد که بتوان از طریق آن تغییرات مورد نظر را عملیاتی کرد؛ در همین نقطه است که تکنولوژی‌های انسانی پا به عرصه تعلیم و تربیت می‌نهند و نمی‌توان نقش این تکنولوژی‌ها را در زمینه ایجاد تغییرات انکار کرد. علاوه بر این، با نظر به این که تکنولوژی را با ملاک‌های پراگماتیستی (توانایی در حل مسائل عملی) در مورد پیشرفت داوری می‌کنند (پایا، 1382: 205) و با نگاه به اهدافی که در این سند مد نظر قرار گرفته و در برنامه اجرایی سند تحول بنیادین در طول برنامه ششم توسعه نگاشته شده (حسام و بیات، 1397: 16)، لزوم داوری پراگماتیستی بیش از پیش احساس می‌شود؛ می‌توان با این مقدمات دریافت که هماهنگی اساسی میان اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با مفهوم تکنولوژی وجود دارد، به طوری که می‌توان تربیت اقتصادی را تکنولوژی قلمداد کرد. اما در خصوص این که این تکنولوژی، یک تکنولوژی دینی است یا خیر؟ باید گفت که با نگاهی بر فصل پنجم (هدف‌های کلان) سند تحول بنیادین آموزش و پرورش شاهد این عبارات هستیم که:

تربیت انسانی موحد، مومن و معتقد به معاد و آشنا و متعهد به مسئولیت‌ها و وظایف در برابر خدا، خود، دیگران و طبیعت، حقیقت‌جو و عاقل، عدالت‌خواه و صلح‌جو، ظلم‌ستیز، جهادگر، شجاع و ایثارگر و وطن‌دوست، مهرورز، جمع‌گرا و جهانی‌اندیش، ولایت‌مدار و منتظر و تلاش‌گر در جهت تحقق حکومت عدل جهانی، با اراده و امیدوار، خودباور و دارای عزت نفس، امانت‌دار، دانا و توانا، پاکدامن و باحیا، انتخاب‌گر و آزادمنش، متخلق به اخلاق اسلامی، خلاق و کارآفرین و مقتصد و ماهر، سالم و بانشاط، قانون‌مدار و نظم‌پذیر و آماده ورود به زندگی شایسته فردی، خانوادگی و اجتماعی براساس نظام معیار اسلامی.

گواه این که هدف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و تربیت اقتصادی مبتنی بر آن، دینی است، می‌تواند همین بند برگرفته شده از سند باشد که مشحون از اهداف دینی است. لازم به ذکر است که تمام این اهداف بر یک هدف یعنی

دلیل بهره بردن از خرد نقاد و توجه کامل به ظرف زمان و مکان می‌توانند در ترویج دین نقش اساسی ایفا کنند.

روش

این پژوهش با رویکرد کیفی و روش اسنادی - تحلیلی به توصیف و تحلیل ابعاد علم و تکنولوژی پرداخته است. داده‌های پژوهش به شیوه اسنادی گردآوری شده و نمونه آن تکنولوژی دینی: چستی و امکان تحقق و مقالات فارسی موجود در پایگاه‌های داده علمی است.

یافته‌ها

1. از کجا می‌توان تشخیص داد که تربیت (اعم از اقتصادی) مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، یک تکنولوژی دینی است یا غیر دینی؟

در پاسخ بدین پرسش ابتدا باید به دو نکته توجه کرد: اولین نکته این است که تکنولوژی مجموعه همه آن دسته از برساخته‌های بشری است که یا به نیازهای غیر معرفتی بشر پاسخ می‌دهد و یا، صرفاً در مقام ابزار و وسیله، به بشر در تکاپوهای معرفتی‌اش مدد می‌رساند و یا هر دو کارکرد را با هم دارد. دومین نکته این است که تکنولوژی به ما می‌آموزد که واقعیت را چگونه می‌توان تغییر داد. پیش از این که به بررسی تربیت اقتصادی به مثابه تکنولوژی بپردازیم، می‌توانیم این مهم را بپرسیم که آیا تربیت یک تکنولوژی است؟

در دیباچه مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران می‌خوانیم:

«نظام آموزش و پرورش کشور - به رغم فعالیت‌های اصلاحی و تلاشی که برای بهبود اجزاء و عناصر آن در طول سه دهه بعد از انقلاب اسلامی در آن صورت گرفته است به دلیل عدم ابتناء بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی نتوانسته است کارکرد مورد انتظار را داشته باشد، به گونه‌ای که بتواند تربیت‌یافتگانی در تراز جمهوری اسلامی پرورش دهد که از شایستگی‌ها و توانمندی‌های اعتقادی، عاطفی و رفتاری و هماهنگ با نیازهای جامعه برخوردار باشند. همچنین لزوم هماهنگی با حرکت شتابان و تحولات سریع اجتماعی و بهره‌گیری از تجارب موفق آموزشی و تربیتی عصر حاضر تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت کشور را بیش از پیش نمایان می‌نماید.»

با نگاهی به این دیباچه که از سوی محمدرضا مخبر دزفولی، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان یکی از نهادهای حکومتی جمهوری اسلامی ایران نگاشته شده است،

عملی کردن برنامه‌های آتی از آن بهره گرفت. در غیر این صورت می‌بایست تکنولوژی جدیدی را جایگزین قبلی نمود و پیوسته تن بدین نقادی داد؛ البته این نقادی به پیش‌زمینه‌هایی نیاز دارد که قابل توجه است. از جمله این پیش‌زمینه‌ها این است که اطلاعات حاصله از این تکنولوژی که در برنامه تربیتی به کار گرفته شده، با شفافیت کامل منتشر شود و تمامی آحاد جامعه قادر به دسترسی و ارزیابی این اطلاعات باشند. نکته حائز اهمیت دیگر این است که هر چه اهداف یک تکنولوژی قابلیت ارزیابی عینی‌تری داشته باشند، با دقت بیشتری می‌توان تکنولوژی (برنامه تربیتی) مورد نظر را ارزیابی کرد. در اینجا پرسشی به ذهن متبادر می‌شود. آیا می‌توان اهداف برنامه‌های تربیتی را به صورت کمی ارزیابی و نقادی کرد؟

در حال حاضر شاهد این موضوع هستیم که وزارت آموزش و پرورش اهداف کمی (معین) مورد انتظار جهت تحقق برنامه زیرنظام‌های سند تحول بنیادین در طول برنامه ششم توسعه را به ادارات کل استان‌ها ابلاغ نموده و هر استان را موظف نموده تا هدف کمی مورد انتظار را محقق نماید تا در مجموع هدف کمی ستاد (دستگاه) محقق شود. وزارت آموزش و پرورش با تدوین چنین اهداف کمی به ارزیابی معاونت‌ها، ادارات و مراکز وزارت آموزش و پرورش می‌پردازد. یکی از این معاونت‌ها، معاونت پرورشی و فرهنگی است که امور تربیتی دانش‌آموزان را بر عهده دارد و می‌توان سوال پیشین را با تمرکز روی این معاونت مورد تکرار قرار داد و به این پرسش پاسخ داد که آیا می‌توان تنها با معیار کمی به ارزیابی اهداف معاونت پرورشی و فرهنگی پرداخت؟ در پاسخ باید گفت که معاونت پرورشی و فرهنگی، با توجه به این که تمرکز اساسی بر ابعاد شخصیتی مریبان دارد، از قابلیت چندانی برای ارزیابی کمی برخوردار نیست؛ البته این بدین معنا نیست که ارزیابی کمی را باید کنار گذاشت؛ بلکه چنین آگاهی موجب می‌شود دست‌اندرکاران امور پرورشی و فرهنگی واقف شوند که می‌توانند از امور کمی به منظور دست یافتن به حساسیت‌های نظری بهره گیرند و با ارزیابی‌های کیفی، به طور عمیق‌تر به ارزیابی موضوع مورد مطالعه بپردازند.

بیان این نکته خالی از لطف نیست که دو رویکرد به علوم انسانی وجود دارد. یک رویکرد این است که بپذیریم علوم طبیعی با علوم انسانی یکسان است و تنها تمایز این است که یافتن الگوهای تکرار شونده در اجتماع، دشوارتر از یافتن الگوهای تکرار شونده در طبیعت است؛ از این رو علوم انسانی کیفیت علمی نازل‌تری را عرضه می‌کند. طرفداران رویکرد دوم مبانی علوم انسانی را متفاوت از مبانی علوم طبیعی می‌پندارند

شناخت صاحب عالم، که هدف معرفتی دین و آموزه اصلی آن است، متکی است و باید دانست که اهداف ذکر شده در بند فوق، مصداق این عبارت است که «كُلُّ الصِّيدِ فِي جَوْفِ الْفَرَاءِ»: همه اهدافی که در قالب واژگان مختلف بیان شده، پیشاپیش در دل همان هدف اصلی یعنی شناخت صاحب عالم خلاصه شده است. با این توضیحات می‌توان دریافت که تکنولوژی تربیت اقتصادی با هدف غایی شناخت صاحب عالم ابداع شده است، در نتیجه این تکنولوژی، یک تکنولوژی دینی است.

2. چگونه و تحت کدام شرایط می‌توان به ابداع تربیت اقتصادی (به مثابه تکنولوژی دینی) توفیق یافت که بالاترین بازده را در راستای کمک به هدف «شناخت صاحب عالم» فراهم آورد؟

در پاسخ به دومین پرسش باید گفت که تکنولوژی‌های دینی از زمان بعثت پیامبر تا به حال از طریق نزول وحی یا اجتهاد ابداع شده‌اند و مردم با توجه به میزان ایمان خود، تکنولوژی‌های مورد نظر را به کار گرفته‌اند. حج یکی از این تکنولوژی‌های دینی است که خداوند بر مومنان تکلیف کرده و مومنان از طریق این تکنولوژی، هم به هدف معرفتی (شناخت صاحب عالم) و هم به هدف غیر معرفتی (اجتماع مسلمانان) دست می‌یابند.

از مقدمات که بگذریم در تاریخ 1390/09/22 سند تحول بنیادین آموزش و پرورش رونمایی شد و مدتی پس از آن با ابلاغ سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور، اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بیش از پیش تاکید شد. با این وجود در تاریخچه نظام تعلیم و تربیت ایران و پیش از تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، چندان نشانی از نگاه تکنولوژیک به تربیت، آن هم از نوع اقتصادی دیده نمی‌شود؛ چراکه نگاه تکنولوژیک ضرورت‌هایی دارد که نیاز به توجه و اقدام عملی دارد. در صورتی که این مهم در دستور کار نظام تعلیم و تربیت قرار گیرد و این نظام قصد در انداختن نگاهی تکنولوژیک به تربیت را داشته باشد، می‌بایست عناصر مورد نیاز نگاه تکنولوژیک را ملاحظه کند. «عینیت» عنصر حیاتی برای مفهوم تکنولوژی است و بدین معنا است که ساز و کار تربیتی که به مثابه تکنولوژی قصد تغییر واقعیت را دارد، در معرض نقادی عموم قرار گیرد و فضایی ایجاد شود که تمامی افراد بتوانند با توجه به کارایی و بازدهی ساز و کار تربیتی اعمال شده، مزایا و معایب طرح اجرا شده را بیان کنند. در صورتی که عملکرد این تکنولوژی قابل دفاع باشد، می‌توان از ادامه کار این ابزار دفاع کرد و در جهت

3. چگونه می‌توان به نحو عینی مشخص ساخت که بهره‌گیری از تربیت اقتصادی (به مثابه تکنولوژی دینی) به مومنان در دستیابی به هدف دین، یعنی نزدیک شدن به شناخت صاحب عالم، کمک می‌کند و یا آن که آنان را دور می‌سازد؟

در پاسخ به سومین پرسش باید گفت که هدف از به‌کارگیری تربیت اقتصادی (به مثابه تکنولوژی دینی) کمک به مومنان در دستیابی به هدف دین، یعنی نزدیک شدن به شناخت صاحب عالم است. در اینجا پرسشی که به ذهن متبادر می‌شود این است که با در نظر گرفتن شناخت صاحب عالم به عنوان هدف و برساختن تکنولوژی به منظور رسیدن به آن هدف دینی، چگونه می‌توان به نقد تکنولوژی بر ساخته پرداخت؟ در پاسخ می‌توان بدین نکته اشاره کرد که شناخت صاحب عالم، آثار و پیامدهایی دارد که در درون اندیشه دینی تعریف شده و به صورت کمی و کیفی می‌توان به بررسی میزان دستیابی به این آثار در سطح خرد و کلان پرداخت؛ از این رو بررسی کارآمدی تکنولوژی دینی امکان‌پذیر است.

همان‌طور که در مبانی نظری تحول بنیادین بیان شده است ساخت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای ناظر به رشد توانایی‌های مریبان در تدبیر امر معاش و تلاش اقتصادی و حرفه‌ای نظیر درک و فهم مسائل اقتصادی، درک و مهارت حرفه‌ای، التزام به اخلاق حرفه‌ای، توان کارآفرینی، پرهیز از بطالت و بیکاری، رعایت بهره‌وری، تلاش جهت حفظ و توسعه ثروت، اهتمام به بسط عدالت اقتصادی، مراعات قوانین کسب و کار و احکام معاملات و التزام به اخلاق و ارزش‌ها در روابط اقتصادی است. پژوهشگران می‌توانند با عینیت بخشیدن به ساخت تربیت اقتصادی و ارزیابی نقادانه آن، شاخصی از موفقیت تربیت اقتصادی (به مثابه تکنولوژی دینی) در دستیابی مومنان به هدف دین، یعنی نزدیک شدن به شناخت صاحب عالم ارائه دهند.

در کنار راهبرد درونی پیش گفته، انجام پژوهش‌های کمی و کیفی در خصوص مفاهیم تکنولوژی و تربیت هم می‌تواند راهگشا باشد.

در مقاله طالبان و بهابادی با عنوان تحولات دین‌داری بر اساس تفاوت‌های نسلی در ایران (1353-1388)، از رهگذر تحقیقات انجام گرفته به بررسی تحولات دین‌داری پرداخته شده است. این تحقیق، بر اساس تحلیل ثانوی نتایج پیمایش‌هایی که در سطح ملی از سال 1353 تا 1388 انجام شده به بررسی تحولات دین‌داری در جامعه ایران پرداخته است. اهم نتایج به این شرح است: الف) دین‌داری مردم ایران از سال 1353 تا 1388 در تعداد بیشتری از شاخص‌ها کاهش

ولی در علمی بودن علوم انسانی تشکیک نمی‌کنند. به عبارت دیگر علوم انسانی را به مثابه علوم فرهنگی قلمداد می‌کنند؛ علمی که اراده انسانی، به آن شخصیت می‌بخشد (الستی، 1392: 93).

در میان اندیشمندان ویلهلم دیلتای¹ اولین اندیشمندی بود که به تفاوت روش میان علوم طبیعی و علوم انسانی اشاره کرد و بدین موضوع پرداخت که توضیح در علوم طبیعی از طریق قوانین و توضیح در علوم انسانی از طریق فهم صورت می‌پذیرد. در ادامه ماکس وبر² جامعه‌شناس و استاد اقتصاد سیاسی آلمانی بود که تعریف تازه‌ای از تقسیم‌بندی دیلتای ارائه داد و معتقد بود که توضیح علمی در علوم انسانی (یا فرهنگی) هم از اهمیت فراوانی برخوردار است و هم به افراط پوزیتیویست‌ها در به‌کارگیری علوم طبیعی و هم به رویکرد تفهیمی برای توضیح رویدادهای اجتماعی نقد وارد ساخت (فرون، 1372: 46).

با این توضیحات باید بدین نکته توجه نمود که وبر با وجود مرزبندی اعتباری میان علوم طبیعی و علوم انسانی، به طور مطلق تبیین را به علوم طبیعی و فهم را به علوم انسانی اختصاص نمی‌دهد و تنها بدین نکته اشاره می‌کند که تبیین به تنهایی پاسخگوی مسائل علوم انسانی نیست؛ البته که در بررسی مسائل علوم انسانی نباید تبیین را از دستور کار خارج کرد؛ بلکه این نوع نگرستن به مسائل به اندیشمندان کمک خواهد کرد که با عینیت بیشتری به مسائل علوم انسانی بپردازند و بیش از پیش عنصر نقدپذیری را در برنامه‌های پیش روی خود بگنجانند. حال که بدین‌جا رسیدیم درخواهیم یافت که چنین نگاهی ارتباط بسیار نزدیکی با مفهوم روش‌شناختی پژوهش آمیخته دارد و به نظر می‌رسد که این نوع روش‌شناسی کمک شایانی به ارزیابی و نقادی امور تربیتی می‌کند.

با عنایت به مطالب پیشین باید دریافت که تکنولوژی‌ها بر اساس توانایی آن‌ها در حل مسائل عملی ارزیابی می‌شوند؛ در صورتی که بخواهیم تربیت اقتصادی (به مثابه تکنولوژی دینی) با بالاترین بازده در راستای کمک به هدف «شناخت صاحب عالم» را ابداع کنیم، ضرورت دارد تربیت اقتصادی واجد عنصر عینیت باشد، به نحوی که فرایند ابداع و کارکردها قابلیت نقادی داشته باشد و بتوان به ابطال تربیت اقتصادی ابداع شده پرداخت. طبیعتاً ضرورت چنین نقد و ابطالی، فضای باز اندیشگی است که اندیشمندان با نگاه‌های متمایز بتوانند به نقد و ابرام دیدگاه‌های مختلف بپردازند.

اولین جهت‌گیری ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای نظری بیافکنیم، درخواهیم یافت که در این جهت‌گیری به توسعه متوازن و متعادل ابعاد و ساحت‌های وجودی فرد در راستای تحقق حیات طیبه در ابعاد فردی و اجتماعی اشاره شده و حیات طیبه به عنوان محور اساسی تاکید شده است. در اندیشه اسلامی یکی از آموزه‌های قرآنی و حقایق عرفانی، «حیات طیبه» است که تنها یک بار در قرآن مجید، به صراحت از آن، سخن به میان آمده، اما در جای جای قرآن اشارات بسیاری به آن شده است. قرآن کریم در آیه 97 سوره نحل می‌فرماید:

«هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به زندگی پاک (حیات طیبه) زنده می‌داریم و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد».

هنگامی که جهت‌گیری ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای به سوی حیات طیبه باشد، طبیعتاً این ساحت از ساحت‌های تربیت، بی‌توجه به عوامل زمینه‌ساز تحقق حیات طیبه نیست. همان طور که در قرآن کریم و روایات پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) پایه‌های حیات طیبه، تبیین شده‌اند و اجابت دعوت خدا و رسول، ایمان و عمل صالح و شکوفایی عقل و خرد انسانی از جمله این عوامل زمینه‌ساز شمرده شده‌اند، تربیت اقتصادی و حرفه‌ای هم در اصول خود به این عوامل بی‌توجه نبوده است. با نگاهی به اصول ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، یکی از این اصول عبارت است از:

تاکید بر کسب شایستگی‌های اخلاقی در بهره‌گیری از طبیعت در چهارچوب نظام معیار اسلامی.

با تامل بر این اصل درخواهیم یافت که با وجود اهمیت تربیت اقتصادی و ابعاد متعدد آن همچون درک و فهم مسائل اقتصادی، درک و مهارت حرفه‌ای، التزام به اخلاق حرفه‌ای و...، باز هم اسلام همچون یک چتر فراگیر بر روی تمام این ابعاد سایه افکنده و آدمی در فرایند تربیت اقتصادی، علاوه بر آماده شدن به منظور سازماندهی و مقابله با موقعیت‌های زندگی آینده در شرایط مختلف اقتصادی، به اكمال فضایل اخلاقی هم عنایت شایانی داشته است.

5. آیا میان تربیت اقتصادی (مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش) و تربیت اقتصادی ظهور یافته یا به کار گرفته شده در یک محیط غیر دینی تفاوت وجود دارد؟

پیش از این به این نکته اشاره شده است که «تکنولوژی‌ها به ظرف و زمینه‌هایی که در آن ظهور می‌کنند حساسند، محفوف در ارزش‌های ابداع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان آن تکنولوژی‌ها هستند و ناظر به نیازهای خاصند. نمی‌توان

یافته است، اگرچه جز تعداد کمی از شاخص‌ها، این کاهش چشم‌گیر نیست. ب) در سال 1388 دین‌داری گروه سنی 50 ساله به بالا (جوانان اول انقلاب) نسبت به گروه سنی جوان بیشتر است (طالبان و رفیعی بهابادی، 1389: 102).

همان طور که مبرهن است بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، حکومت جمهوری اسلامی با به‌کارگیری فرایندهای رسمی اسلامی کردن جامعه یا سیاست‌های جامعه‌پذیری سیاسی - مذهبی، سعی در اسلامی کردن جامعه داشته و دارد. در طول این چهار دهه حکومت، جمهوری اسلامی فرصت مناسبی جهت اجرای این سیاست‌ها در اختیار داشته و حتی توانسته نتایج این سیاست‌ها را در جامعه مشاهده کند. علاوه بر این، پژوهشگران در طول این چهار دهه، پژوهش‌های متعددی در خصوص دین‌داری افراد جامعه انجام داده‌اند و شرایطی را مهیا ساخته‌اند که سنتز پژوهی در دستور کار دیگر محققان قرار گیرد. طالبان و بهابادی در مقاله خود از روش تحلیل ثانوی بهره گرفته‌اند و توانسته‌اند از مجموعه اطلاعات موجود، شناختی افزون بر گزارش اولیه یا متفاوت با آن ارائه دهند.

با این توضیحات باید دریافته باشیم که امکان تحلیل ثانوی روی تکنولوژی تربیت اقتصادی مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش میسر نیست. دلیل این امر چیست؟ در پاسخ باید گفت که تنها یک دهه از رونمایی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش گذشته و تحقیقات کیفی چندانی در خصوص سند تحول بنیادین و علی‌الخصوص تکنولوژی تربیت اقتصادی مبتنی بر آن صورت نپذیرفته تا بتوان به روش فراترکیب روی آورد و به بررسی کارآمدی تکنولوژی برساخته مبادرت ورزید.

4. آیا هدف تربیت اقتصادی (مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش) صرفاً بالا بردن درجه خشوع و خشیت فرد و اكمال فضایل اخلاقی است و یا اهداف دیگری مانند آماده کردن یادگیرندگانی به منظور سازماندهی و مقابله با موقعیت‌های زندگی آینده در شرایط مختلف اقتصادی هم جزو اهداف تربیت اقتصادی محسوب می‌شود؟

در پاسخ به چهارمین پرسش باید گفت که مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران بیان می‌دارد که نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی بر پایه اندیشه اسلامی تدوین شده است و از این رو، الگوی نظری ساحت‌های تربیت که شامل ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی، ساحت تربیت زیستی و بدنی، ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری، ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای و ساحت تربیت علمی و فناوری می‌باشد، از این دایره بیرون نیست. اگر به

دینی و غیر دینی تقسیم کرد. در نتیجه تکنولوژی‌هایی که با هدف شناخت صاحب عالم ابداع شده‌اند، تکنولوژی دینی محسوب می‌شوند.

افزون بر این، علوم نظری نقش چشم‌گیری در پیشرفت تکنولوژی‌ها و افزایش قابلیت تکنولوژی‌ها در حل مسائل موجود در واقعیت دارند و هر چه مرزهای علم بیشتر و بیشتر درنور دیده می‌شود، تکنولوژی‌ها هم بدیع‌تر می‌شوند. در عین حال، نکته بسیار مهمی که از بحث اخیر، برای تکاپوهایی حاصل می‌شود که قصد ابداع تکنولوژی‌های دینی را دارند، آن است که در این عرصه، نقش ظرف زمان و مکان اهمیت محوری دارد و تکنولوژی‌های دینی در صورت ابداع در محیط‌های دینی از قابلیت بیشتری برخوردارند و می‌توانند نقش موثرتری ایفا نمایند.

در پژوهش حاضر نشان داده شد که سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مشحون از عباراتی است که لب لباب آن شناخت صاحب عالم است و ساحت‌های تربیتی به مثابه تکنولوژی دینی، این هدف غایی را در دل خود جای داده‌اند. یافته‌های این پژوهش حکایت از این دارد که در ابداع یک تکنولوژی باید برخی جوانب را مد نظر قرار داد. بنابراین یک تکنولوژی می‌بایست قابلیت ارزیابی کمی و کیفی داشته باشد تا بتوان نقدانه آن را ارزیابی کرد. افزون بر این باید توجه داشت که در ابداع تکنولوژی تربیت اقتصادی به طور خاص، توجه به ظرف زمان و مکان علی‌الخصوص شرایط اجتماعی و اقتصادی اهمیت وافری دارد؛ چرا که شناخت این زیست بوم، امکان شناخت نیازها را می‌دهد و می‌توان برنامه تربیتی ابداع کرد که نیازهای تعریف شده را برآورده و تغییرات مورد انتظار را محقق سازد. در این پژوهش بر این نکته تأکید شد که یک تکنولوژی تربیتی می‌بایست از خیال‌پردازی درباره یک نظم اجتماعی آرمانی دوری کند و درصدد در انداختن یک بیانیه نباشد. در هر صورت تکنولوژی تربیت اقتصادی مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با وجود جای گرفتن در قالب تکنولوژی نتوانسته است به طور مشخص نیازها و برنامه‌های عملیاتی خود را تعریف کند؛ از این رو شاید بتوان گفت که این تکنولوژی در صورت داوری با ملاک‌های پراگماتیستی، نمره مطلوبی کسب نخواهد کرد.

پرسش مهمی که در اینجا فقط می‌توان به آن اشاره کرد و تفصیل آن را به موقعیت مناسب‌تری موکول کرد، این است که چه راهکارهایی می‌توان در پیش گرفت تا اینکه تکنولوژی‌های تربیتی متناسب با مسائل موجود در نظام تعلیم و تربیت ابداع کرد؟

تکنولوژی‌هایی را که در یک ظرف و زمینه خاص تولید شده‌اند بدون تنظیم و دستکاری مناسب در ظرف و زمینه‌های دیگر به کار گرفت.

همان طور که در این عبارت اشاره شده است تکنولوژی‌ها اعم از دینی و غیر دینی، نسبت به ارزش‌های ابداع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان خود حساس هستند. این نکته عیان می‌کند که تربیت اقتصادی به مثابه تکنولوژی نسبت مستقیمی با ارزش‌های ابداع‌کنندگان دارد. هنگامی که به وقایع‌نگاری مربوط به تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش می‌نگریم، در خواهیم یافت که در تاریخ 1364/12/13 شورای عالی انقلاب فرهنگی، با عنایت به ضرورت تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، دستور به تشکیل شورای تغییر بنیادی آموزش و پرورش داد و این شورا را مکلف ساخت که طرح پیشنهادی خود را تا پایان شهریور 1365 تهیه و به شورای عالی انقلاب فرهنگی بدهد و پس از 25 سال و 9 ماه و 10 روز، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در سالن همایش‌های بین‌المللی صدا و سیما رونمایی شد. فارغ از این که این سند توانسته باشد پاسخ‌گوی نیازهای معرفتی و غیر معرفتی باشد، باید توجه داشت که سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی ایران، بدون اینکه هوایمای تعلیم و تربیت را بنشانند، درصدد تدوین یک سند مبتنی بر اندیشه اسلامی بر آمدند تا بتوانند نظام معیار اسلامی را بر نظام تعلیم و تربیت مستولی نمایند. در حالی که پیش از تدوین این سند هم نظام تعلیم و تربیت متوقف نشده بود و نهاد تعلیم و تربیت به تربیت مریبان می‌پرداخت. با این اوصاف می‌توان دریافت که تربیت اقتصادی مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از مبانی نظری تحولی برخوردار است که توانسته تمایزی اساسی با تربیت اقتصادی پیش از خود فراهم آورد و به سوی هدف غایی تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران که همان تحقق حیات طیبه و قرب الی‌الله است، گام بردارد. در نتیجه میان تربیت اقتصادی (مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش) و تربیت اقتصادی ظهور یافته یا به کار گرفته شده در یک محیط غیر دینی تفاوت اساسی وجود دارد.

نتیجه‌گیری و بحث

تربیت به سبب ویژگی ژانوسی خود، چهره‌ای از نوع علم نظری و چهره دیگری از نوع تکنولوژی انسانی دارد. در حوزه علم نظری نمی‌توان سخنی از دینی بودن یا دینی نبودن به میان آورد؛ چراکه علم وظیفه تحری واقعیت را دارد و تحری واقعیت، دینی و غیر دینی ندارد. اما تکنولوژی انسانی را می‌توان به

پژوهشگر بتواند تفهیم و تبیین مسائل موجود در نظام تعلیم و تربیت را در دستور کار خود قرار دهد.

در نهایت به عنوان یک پیشنهاد کاربردی، به طور مختصر باید گفت که طراحی سامانه شفافیت اطلاعات آموزش و پرورش می‌تواند از اولویت‌های نظام تعلیم و تربیت باشد؛ این سامانه به مبدعان تکنولوژی‌های تربیتی (اعم از دینی و غیر دینی) کمک می‌کند واقعیت‌های تعلیم و تربیت را با دقت بیشتری مد نظر قرار دهند و فضایی به منظور نقد تکنولوژی‌های تربیتی، آن هم از طریق تطبیق این تکنولوژی‌ها با واقعیت برای منتقدان فراهم گردد. تفصیل این اجمال را همان‌گونه که گذشت، باید به زمان مناسب دیگری واگذاشت.

منابع

- Alasti, K. (2013). Max Weber and Heinrisch Rickert on the Distinction between Natural and Human Sciences *Analytic Philosophy*, 10 (1), 85-106.
- Freund, J. (1974). *Les theories des sciences humaines* (A.M.Kardan, Trans.). Academic publishing Center.
- Hesam, F., & Bayat, M. (2018). Examining the document of the fundamental transformation of education. *Social Studies Office (Education Department) The Research Center of Islamic legislative Assembly*, 16155, 1-30.
- Imani, M. (2012). Economic training in line with national production and support for Iranian work and capital. *Peyvand*, 390 & 391, 15-16.
- Mansouri, A., & Paya, A. (2019). Philosophical Relationship of Humanities and Technology. *Methodology of Social Sciences and Humanities Journal*, 25 (99), 19-23.
- Mansouri, A., & Paya, A. (2021). Humanities as technology. *Institute for Cultural and Social Research*.
- Mosazadeh, Z., & Sanati, F. (2017). Elucidation of economic education parameters based on Islamic teachings *Biquarterly Journal of Islamic Education*, 12 (24), 73-97.
- Paya, A. (2004). *Analytic Philosophy: Problems and Prospects*. Tarh-e-no.
- Paya, A. (2007). Critical Rationalism and Situational Logic: An Effective Approach to Methodology of Educational Research *Quarterly Journal of Educational Innovations*, 6 (3), 11-48.
- Paya, A. (2013a). The future of religion in the modern world. *Journal of Religious Thought of Shiraz University*, 6 (19), 1-24.
- Paya, A. (2013b). Religious technology: what it is and the possibility of realization. *Methodology of Social Sciences and Humanities Journal*, 18 (73), 7-51.
- با توجه به گستره نظری موجود و یافته‌های حاضر، می‌توان پیشنهادها و جهت‌گیری‌های پژوهشی زیر را ارائه نمود که فراهم کننده زمینه‌های پژوهشی جدید می‌باشند:
- پژوهش حاضر فقط ساحت تربیت اقتصادی را بررسی کرده است، در پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود که پژوهش را در دیگر ساحت‌های تربیتی تکرار نمایند. این کار هم قابلیت تعمیم‌پذیری را افزایش می‌دهد و هم امکان مقایسه را فراهم می‌کند. همچنین به دلیل اینکه مفهوم تکنولوژی تربیتی چندان شناخته نشده است و پژوهش‌های اندکی را در زمینه علوم تربیتی به خود اختصاص داده است، بنابراین انجام پژوهش‌های بیشتری در این زمینه احساس می‌شود. پیشنهاد دیگری که می‌توان در راستای تقویت تکنولوژی‌های تربیتی انجام داد، پژوهش در خصوص مسائل تعلیم و تربیت با روش‌شناسی پژوهش‌های آمیخته است. این روش‌شناسی کمک می‌کند تا
- Paya, A. (2016a). *Analytic Philosophy from the Perspective of Critical Rationalism*. Tarh-e Naqd Publications.
- Paya, A. (2016b). How to improve the Efficiency of Human Sciences? *Journal of Methodology of Human Sciences*, 22 (86), 73-119.
- Paya, A. (2017a). Problem solving in Accordance with the Approaches of Philosophers and Engineers: Essays Concerning Science, Technology and Science Policy *Institute for Cultural and Social Research*.
- Paya, A. (2017b). *Rah va Rasm-e Manzel-ha (Tools of the Trade: Essays on, and from the viewpoint of, Human Sciences)*. Institute for Cultural and Social Research.
- Paya, A. (2021a). Religious Science, Indigenous Science, and Islamic Science: Thinking the Impossible or Thinking Ahead of Time: An Anthology of Ideological Projects of Knowledge Production, Plus Two Critical Assessment of the Views of Two Iranian Thinkers on Science *University Press Centre*.
- Paya, A. (2021b). *Science, Society and Development: Essays on the Public Understanding of Science*. National Institute for Science Policy.
- Taleban, M.R., & Rafieebahabad, M. (2011). Changes in religiosity based on generational differences in Iran (1974-2009). *Social Problems of Iran*, 1 (8), 85-114.
- Toghyani, M., & Zahedivafa, M.H. (2012). The possibility of using the works of Islamic civilization in designing and editing the Islamic-Iranian model of economic culture. *Ma'rifat-e Eghtesadi-e Islam*, 3 (2), 55-76.